

گفت‌وگویی کوتاه با سرهنگ هادی هاشمی، رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ



جان شهروندان در خطر است

✘ برای شب جمعه آخر سال چه تمهیداتی اندیشیده‌اید؟

سال قبل تمام نقاط قوت و ضعف کارمان را ثبت کردیم و برای امسال برنامه‌ریزی کاملی انجام داده‌ایم تا در این روزهای پرترافیک تهران مشکلات مردم را حل کنیم. البته در تهران از الان تا پایان ۲۹ اسفند صد درصد نیروهای ما آماده هستند و من از مردم خواهش می‌کنم برای یک خریدی دغدغه از حمل و نقل عمومی استفاده کنند تا ترافیک شهر به هم نریزد.

✘ برای نوروز چه تدابیری دارید؟

در نوروز ترافیک تهران برخلاف دیگر جاها خلوت است و نیمی از نیروهای ما تمام وقت در خدمت مردم هستند و سعی می‌کنیم نیم دیگر نیز استراحت دو سه روزه داشته باشند و به اموراتشان برسند.

✘ آلودگی هوا؟

متأسفانه در این موضوع مسوولان تعارف دارند، در حالی که بخش عظیمی از مردم تهران ریه‌هایشان از مواد سمی پر شده و ۳۰ درصد ماموران پلیس راهور در سر چهارراه‌های تهران گرفتار مشکلات ریوی شده‌اند، من از وزارت صنایع گله دارم، چرا مسوولیت خود را درست انجام نمی‌دهد؟! همه می‌دانند مشکل از کجاست، اما جای عمل خالی است. من سیاسی نیستم و سیاسی هم حرف نمی‌زنم و فقط کمی می‌گویم که جان شهروندان در خطر است!

✘ قوانین و مقررات؟

قوانین و مقررات بسیار ضعیف است آنچنان که هیچ‌کدام از تابلوهای راهنمایی و رانندگی بدون حضور یک پلیس در پای آنها حرمت ندارند و اینها ضعف قوانین و مقررات است و رانندگان مفهوم تابلوها را نقض می‌کنند.

✘ ترافیک در تهران.

با تغییر خیابانها و یکطرفه کردن و محدودیت‌های ترافیکی نمی‌توانیم تغییری در ترافیک ایجاد کنیم و فقط دلمان را خوش کرده‌ایم و تا وقتی مردم نتوانند از حمل و نقل عمومی آسان، سریع و در دسترس استفاده کنند با این معضل مواجه هستیم. اکنون چهار هزار خط اتوبوسرانی روزانه ۴ میلیون شهروند تهرانی را از این سوی شهر به آن سوی شهر می‌برند، سه خط سریع روزانه یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر را جابجا می‌کند و ساماندهی براساس نیاز مردم به اتوبوس و مترو و بی.آر.تی از شاخص‌های کاهش ترافیک به شمار می‌رود که باید مسوولان به آن رسیدگی کنند.

✘ پیام نوروزی.

آرزوی من این است که به حق آنهایی که نزد خدا آبرو دارند، خدا به مردم ما توفیق دهد که در سفرها با دقت و رعایت مقررات و گذشت رانندگی کنند و سلامت بمانند.

عقلانیت، صداقت و تدبیر... و ببینیم کجاها اشتباه کردیم و بعد آن را بپذیریم و خروجی آن نیز می‌شود اعتمادسازی. یعنی بازسازی اعتماد عمومی به مفهوم عام. بعد از بازسازی، این جانشینان، وحدت و مشارکت رخ خواهد داد، وگرنه اینکه صرفاً موعظه کنیم، تهدید کنیم و یا... می‌شود نافرمانی‌ها و بعد ضربه می‌خوریم، اما نقش نخبگان... خواص بسیار نقش دارند. این نخبگان و خواص بجای اینکه موعظه کنند، باید بصیرت داشته باشند و از باب عقلانیت، شفافیت و صداقت جلو بیایند و شروع کنند. باید یک بازسازی در نخبگان و خواص رخ دهد تا مردم به آنها اعتماد داشته باشند. ابتدا قبول کنند که ایردهایی داشتند و بعد یک جاهایی می‌توانستند اثر گذار باشند که نبودند. البته نقش رهبری در این جریانها بسیار خوب بوده است. خود ایشان هم در سخنرانی برای اساتید دانشگاه‌ها عنوان کردند که ما دچار کاستی‌هایی هستیم. اما برخی ائمه جمعه به جای اینکه وحدت‌آفرینی کنند، برخی را می‌کوبند. اینگونه نمی‌شود در کشور وحدت آفرید.

✘ حالا دوباره برگردیم به بحث طرح هدفمندسازی یارانه‌ها. آیا این طرح در اولویت است؟ یا اگر درست اجرا نشود، برای کشور چه معضلاتی دارد؟



✘ بعد از انتخابات یک سری، درست یا غلط دچار «مسئله» شدند ما باید ببینیم این مسئله را با اقناع فرهنگی و سیاسی حل و برطرف کنیم.

من اعتقاد دارم که این طرح نمی‌تواند برای کشور در اولویت باشد، این طرح آنقدر اهمیت ندارد که کشور بخواد برای آن هزینه بالا بپردازد. هم‌اکنون اولویت اول کشور رفع بیکاری و اشتغال این همه بیکار و جوان تحصیل کرده است که با داشتن مدرکهای گوناگون یک کار درست و حسابی ندارند. ضمناً اجرای طرح حذف سوبسیدها یک بستر مناسب می‌خواهد که در حال حاضر کشور راهبهای اجرای آن نمی‌بینیم. البته همانطوری که قبلاً نیز عنوان کردم داشتن باور و اعتماد به یک نظام اجرایی و کارا و توانا قبول عقلانیت دولت و اعتماد مردم به تصمیمات دولت است. البته دولت از نظر انتخاب زمان بررسی اجرای این طرح، مقطع مناسبی را انتخاب نکرده است و این موضوع می‌تواند روی نتیجه طرح «حذف سوبسیدها» و یا به قول دولتی‌ها، طرح هدفمندی یارانه‌ها - تأثیرات نامناسبی بگذارد. باز هم تأکید می‌کنم، حرف زدن و شعار دادن درباره طرح خوب است، اما در عمل باید نشست و مشاهده کرد که چگونه اجرا می‌شود. اجرای صحیح و درست آن ملاک است.

جوانب کار در نظر گرفته شود. ممکن است و احتمال دارد که اوائل اجرای طرح یک توری هم در کشور اتفاق بیافتد - چنانکه رئیس جمهور گفته‌اند - اما به احتمال قوی ۲ یا ۳ سال بعد تورم فروکش خواهد کرد و انشاءالله اوضاع زندگی مردم کشورمان خوب و ایده‌آل خواهد شد.

✘ سؤال بعدی مادر باره انتخابات و جریانات بعد از انتخابات ریاست جمهوری و پیامدهای آن است. مسائل وحدت و آشتی ملی که عده‌ای می‌گویند چگونه خواهد بود؟

انتخابات ریاست جمهوری با شرکت بالای مردم در کشور انجام شد و حکم ریاست جمهوری دهم نیز توسط رهبر معظم انقلاب تأیید و تنفیذ شد و اکنون آقای احمدی نژاد با رأی بالای ۲۴ میلیون ایرانی در حال کار و تلاش برای اداره کشور است - چه ضعیف و چه قوی.

بگذارید به یک نکته‌ای اشاره کنم؛ انقلاب اسلامی یک نظام مردم‌سالار دینی است و مردم در آن مشارکت و حق رأی دارند. امام بعد از پیروزی انقلاب از یک سرمایه نام برد که در ادبیات سیاسی کمتر مورد استفاده قرار می‌گرفت و آن سرمایه‌ای به نام مردم بود. این سرمایه و حضور و مشارکت مردم در عرصه‌های مختلفی که انقلاب احتیاج داشت، به

میدان آمد. در پیروزی انقلاب و در تثبیت آن، مبارزه با گروهکها، در جنگ و... این حضور و مشارکت با شعار و نصیحت و موعظه و... ایجاد نشد. حضور و مشارکت با باور و اعتماد مردم ایجاد شد. نسبت به نظام و حقانیت آن، عقلانیت و شفافیت و صداقت و معنویت و... مردم اعتماد به حقانیت امام را حل کردند. حالا دشمن نظام این را فهمیده و می‌خواهد این سرمایه به نام مردم را - که ما نتوانستیم این سرمایه را در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی و اجتماعی خوب به کار بگیریم - آمده هدف گرفته و اختلاف ایجاد کرده بین مردم، نخبگان و ... یعنی به حضور و مشارکت مردم ضربه زده. برخی می‌گویند یکپارچگی و انسجام

همچنان پابرجاست. اما به عقیده من ضربه خورده است. بالاخره از آن ۱۴ میلیون نفر ایرانی که در انتخابات به رئیس جمهور رأی ندادند، تعدادی از آنها روی اشکالاتشان مصر هستند و شاید بی‌اعتمادی داشته باشند. بنابراین ما باید مدل اصلاح کنیم و ببینیم که چگونه شد که اینگونه شد. بخشی از آن برمی‌گردد به رسانه‌ها و صدا و سیما، اینکه بیابند شفاف اخبار را بین مردم انعکاس دهند. بعد از انتخابات یک سری دچار «مسئله» شدند یا به حق و یا ناحق ماقصاوت نمی‌کنیم، ما باید ببینیم این مسئله را با اقناع فرهنگی و سیاسی حل و برطرف کنیم. مثلاً در انتخابات آمریکا این مسئله برای بوش هم پیش آمد، آن‌جا هم مشکلات ایجاد شد. این وسط یک نفر حرف حسابی زد و آن هم دادگاه عالی بود و بقیه طبق ادبیات خود که منافع ملی را در نظر داشتند، تمام شد. خوب مادر کشورمان این اقناع فرهنگی - سیاسی را انجام ندادیم و رقیتم به سوی دادن هزینه‌های امنیتی و نظامی، مردم تشنه اخبار شفاف بودند، اما ما این کار را انجام ندادیم، از آن سو اجازه دادیم تا ماهواره‌های دشمن پرکار شوند و تشنگی مردم را با اخبار مسموم برآورده کنند. بعداً ایراد گرفتیم که چرا اینطور شد؟ شما می‌بایست مردم را هدایت می‌کردید که این کار انجام نشود و خودش یک ایراد بزرگ بود. حالا ما باید برگردیم و آن ایرادها را تشخیص دهیم و ما باید برگردیم به

یک ساعت که آفتاب بتابد خاطر یک هفته بارندگی پیگیر افق از خاطر می‌رود

